



Linguistic Research in the Holy Quran.

Vol. 13, No. 2, 2024

Research Paper

Semantics of the word "Tsawil" in the Holy Quran with emphasis on conceptual relationships

Rahman Oshriyeh

Associate Professor, Exegesis Department, Holy Quran University of Science and Knowledge, Qom, Iran

Abstract

One of the ways to achieve semantic subtleties and deepen the understanding of texts is to pay attention to the conceptual relationships between words. This matter finds a special place in the words of the Holy Qur'an. Therefore, the upcoming research based on the analytical-descriptive method, has investigated and analyzed the conceptual relations of the word "Tsawil" in the Holy Quran with other accompanying and substitute words. The components that are effective in the semantics of the word "Taswil" with the purpose of substitution are Eqva, Tazeen, Zokhroph, Tahliyah, Tahsin, and Tabarj, and in the accompanying vocabulary section, the words of Nafs, Saitan, and Emla have been examined. Finally, it is confirmed that Taswil is an act of the human soul and it refers to a special meaning of decoration that is related to human desires. On this occasion, this emotional power is also called the responsible self (Mosawaleh), in the sense that what is far from the truth is seen as pleasing in the sight of man and causes slippage and fault in human decision-making.

Keywords: Tsawil, Conceptual Relations, Association Relations, Substitution Relations, Semantics.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.138506.1889>

معناشناسی واژه «تسویل» در قرآن کریم با تأکید بر روابط مفهومی

رحمان عشریه

دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران
oshryeh@quran.ac.ir

چکیده

یکی از راه‌های دستیابی به ظرافت‌های معنایی و تعمیق فهم متون، توجه به روابط مفهومی میان واژگان است. این امر درباره‌ی واژگان قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. بر این اساس، پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی، روابط مفهومی واژه «تسویل» در قرآن کریم با سایر واژگان همنشین و جانشین بررسی و تحلیل شده است. مؤلفه‌هایی که در معناشناسی واژه «تسویل» تأثیرگذار هستند، با هدف جانشینی عبارت‌اند از: «اغوا»، «تزیین»، «زخرف»، «تحلیه»، «تحسین» و «تبرج» و در بخش واژگان همنشین، واژگان: «نفس»، «شیطان» و «املا» بررسی شده‌اند. در نهایت، بر این نکته صحه گذاشته می‌شود که «تسویل» عمل نفس انسان بوده و بر معنایی خاص از تزیین اشاره دارد که مربوط به تمنیات نفسانی انسان است. به همین مناسبت، این قوه نفسانی، به نفس مسؤله نیز نامیده می‌شود؛ به این معنا که آنچه با حقیقت فاصله بسیاری دارد، در نظر انسان پسندیده جلوه داده می‌شود و سبب لغزش و خطا در تصمیم‌گیری انسان می‌شود.

واژگان کلیدی: تسویل، روابط مفهومی، روابط همنشینی، روابط جانشینی، معناشناسی.

۱- بیان مسئله

معنای واژگان در دست پژوهشگران و دست‌آوردان علم قرار می‌گیرد. درباره‌ی حوزه مطالعات متون دینی با وجود همه تلاش‌ها، توجه به گستردگی متون مربوط به معارف دینی و ژرفای معانی و ظرافت نکاتی که گویندگان و نویسندگان حکیم در گفته‌ها و نوشته‌های خود دارند، پژوهشگران را قانع می‌سازد پژوهش‌ها آنها کافی نبوده است و ظرفیت رشد بسیار بیشتری دارد. آنچه از این رهگذر فهمیده می‌شود آن است که پژوهشگران علوم دینی باید مسیر رو به تعالی پژوهش‌های روشمند خود را هرچه گسترده‌تر، جزئی‌تر و با دقت بیشتر در عبارات و معانی پیش بگیرند.

امروزه مطالعات روشمند در زمینه معناشناسی، جایگاه خود را در زمینه مطالعات متون دینی به اندازه چشمگیری پیدا کرده است. با توجه به تعریف علم معناشناسی، آنچه در این دست پژوهش‌ها مدنظر است، تلاشی برای روشمند کردن مطالعات متون دینی است. این مطالعات نظام‌مند سعی می‌کند علاوه بر اینکه تعاریف دقیقی از واژگان به دست آورد، با روشن کردن جایگاه هر کلمه در بین مفاهیمی که با یکدیگر مرتبط‌اند، ظرافت‌ها و دقت‌هایی را که حاصل قرارگرفتن در یک نظام معنایی است، کشف کنند. بدین ترتیب، لایه‌های عمیق‌تری از

از همین رو، در پژوهش حاضر، معناشناسی روشمند واژه «تسویل» محل دقت نظر و تحلیل قرار گرفته است. روش این مقاله، بررسی روابط مفهومی میان مشتقات واژه تسویل و سایر کلمات با تأکید بر روابط همنشینی (syntagmatic) و جانیشینی (paradigmatic) است. در یک توضیح مختصر می‌توان گفت روابط همنشینی میان کلماتی شکل می‌گیرد که در یک ساختار معنایی در کنار هم قرار گرفته‌اند و در کنار یکدیگر معنای کل نظام را می‌سازند. رابطه جانیشینی نیز میان کلماتی صورت می‌پذیرد که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند و با وجود آنکه همگی می‌توانند در یک سیاق به جای یکدیگر بنشینند، گوینده دانا با دقت در مؤلفه‌هایی که وجه تفارق آنها محسوب می‌شوند، یک کدام را انتخاب می‌کند (چندلر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۷).

واژه تسویل از ریشه «سول» ۵ بار در قرآن کریم به کار رفته است: «قَالَ قَدْ أُوتِيَ سُورٌ كَثِيرَةٌ يَا مُوسَى» (طه: ۳۶)؛ «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (یوسف/۱۸)؛ «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا» (یوسف/۸۳)؛ «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ» (محمد/۲۵)؛ «كَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي» (طه/۹۶). این نوشتار با هدف تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در معناشناسی واژه تسویل در نظام معنایی قرآن کریم، ابتدا با روشن‌ساختن مبادی تصویری پژوهش شامل توضیح روابط جانیشینی و همنشینی، بررسی واژگانی که رابطه مفهومی جانیشینی با تسویل دارند، مدنظر قرار گرفته است. در این بخش کلماتی چون: اغواء، تزیین، زخرف، تحلیه، تحسین و تبرج مطرح می‌شوند. پس از این، با احصای موارد کاربرد تسویل در قرآن کریم کلمات همنشینی با این واژه معرفی، تحلیل و پژوهش می‌شوند.

۲. پیشینه پژوهش

در پیشینه این پژوهش، دو مسئله مدنظر قرار داده شده است: نخست، از این نظر که واژه تسویل بررسی و پژوهش معناشناختی شود و دوم از نظر روش این مقاله. در

جهت نخست، بنا به جستجوی نگارنده، باوجود زحمتهایی که دانشمندان علوم مختلف متحمل شده‌اند، پژوهشی که براساس مبانی علم معناشناسی صورت گرفته باشد، درباره واژه این واژه قرآنی یافت نمی‌شود. از منظر روش این مقاله، همانطور که پیش‌تر ذکر شد، مطالعاتی از این دست در حوزه متون دینی آغاز شده است که نگارنده نیز گام در این مسیر نهاده و سعی کرده است در همین جهت سهمی به اندازه خود داشته باشد. در این زمینه به پژوهش‌های ایزوتسو اشاره می‌شود. او با تأکید بر اینکه در قرآن کریم کلمات، منعزل از یکدیگر به کار نرفته‌اند، بلکه ارتباط آنها با یکدیگر نیز مدنظر بوده است (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، ص. ۵)، کتابی را به رشته تحریر درآورده است که با عنوان فارسی *خدا و انسان در قرآن* ترجمه شده است. همچنین، کتاب *معناشناسی عقل در قرآن کریم* نوشته سعید کرمانی است. او در این کتاب بر تأثیرگذاری این روش در فهم آیات قرآن کریم و معارف آمده در متون دینی صحه گذاشته است.

۳. مبادی تصویری پژوهش

در مسیر کشف روشمند مؤلفه‌های معنایی واژه تسویل، روش مدنظر در این نوشتار، توجه به روابط مفهومی همنشینی و جانیشینی است. توضیح بیشتر اینکه در معناشناسی هر واژه‌ای این نکته شایان توجه است که آن کلمه با تعدادی از واژه‌ها دارای روابط مفهومی است. اگر هر دو واژه‌ای که با هم روابط مفهومی دارند، بررسی شوند، معلوم می‌شود در تعدادی از عناصر معنایی مشترک و در بعضی از آنها متمایزند. برای بررسی روابط مفهومی می‌توان از روش بررسی معنای واژگان همنشینی و جانیشینی بهره برد و از این طریق به مؤلفه‌های معنایی کلمات دست یافت (صفوی، ۱۳۹۷، ص. ۲۸۰). از همین رو، ابتدا لازم به نظر می‌رسد درباره این دو دسته از روابط مفهومی سخن به میان آورد و درباره چیستی این دو دسته از روابط نکاتی را ارائه داد.

۳-۱. روابط جانشینی

روابط جانشینی دسته‌ای دیگر از روابط مفهومی در کلام است. در این دسته از روابط، اجزایی قرار می‌گیرند که نبود آنها ملازم شده است با وجود جزئی که موجود است. در واقع، گوینده دانا انتخاب کرده است که به جای سایر واژگانی که قابلیت دارند در کلام او قرار گیرند، از واژه‌ای خاص استفاده کند و آن را در سخن یا نوشته خود به کار ببرد؛ برای مثال، در جمله «به مدرسه برو» می‌توان واژه خانه را در نظر گرفت که قابلیت استفاده از آن در این ترکیب وجود داشت؛ زیرا آن هم دلالت بر یک مکانی دارد که مقصد رفت و آمدها می‌تواند باشد؛ اما وجود غایب این واژه باعث شده است واژه مدرسه در این جمله معنا پیدا کند (حسینی، ۱۳۸۴ش، ص. ۳۴۷). درحقیقت متکلم از میان مکان‌های مختلف تشخیص داده است استفاده از واژه مدرسه با مقصود او از کلام سازگار است و از این رو، این واژه را انتخاب کرده است. با این اوصاف، معلوم می‌شود کلماتی که با یکدیگر در محور جانشینی قرار می‌گیرند، هم دارای مؤلفه‌های مشترک‌اند که باعث می‌شوند با هم در یک محور قرار گیرند، هم دارای مؤلفه‌های متفارق که متکلم دانا براساس همین تفاوت‌ها یک کدام را برای استفاده در کلام خود ترجیح می‌دهد.

به بیان دیگر، در روابط جانشینی واژه‌ها براساس شباهت‌هایی که بین دال‌ها یا مدلول‌های آنها وجود دارد دسته‌بندی می‌شوند. اینکه بخشی از این مدلول‌ها با هم یکسان باشند برای شکل‌گیری این روابط کافی است. سوسور قائل است همین شباهت‌ها الگوهای جانشینی واژه‌ها را شکل می‌دهد و در حالی که آنها در کنار هم قرار نگرفته‌اند، به هم پیوند می‌یابند. علت این امر آنکه همه این واژه‌های در ذیل نظام بالقوه‌ای وجود که هر فردی که از زبان استفاده می‌کند، آن را در ذهن خود دارد، در کنار هم قرار می‌گیرند (دینه سن، ۱۳۹۰ش، ص. ۳۲). هر جمله‌شماری از واحدهای زبانی تشکیل می‌شود که در متن ذکر می‌شوند. از این واحدها به‌عنوان «رویه موجود»

پیام از آنها یاد می‌شود. گفته می‌شود در هر زبانی برای کارکرد کامل تر باید از واحدهایی که در متن و کلام وجود دارند، به واحدهای دیگری از جنس خود که در متن و کلام وجود ندارند، ارجاع دهند و رهنمون باشند. این نوع ارتباط را در میان مفاهیم مختلف می‌توان «رویه غایب» نام نهاد (حسینی، ۱۳۸۴ش، ص. ۳۴۷).

۳-۲. روابط همنشینی

درباره آنچه به‌عنوان روابط مفهومی در میان جملات و واژگان یاد می‌شود، تبیین‌های متفاوتی ارائه شده است. این بیانات در کتب مختلف مربوط به علم زبان‌شناسی قابل ردیابی و پیگیری مفصل‌اند. در توضیح مختصر روابط همنشینی به صورتی که در علم زبان‌شناسی مطرح است، باید گفت روابط همنشینی براساس تأکید بر اهمیت ارتباطات اجزای کلام با کل و وابستگی این دو به یکدیگر شکل می‌گیرد. در تحلیل روابط همنشینی، کلماتی را که در جمله یا عبارت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، در یک محور افقی به نام محور همنشینی قرار می‌دهند و مؤلفه‌ایی که هر کدام در شکل‌گیری معنای کل و ترکیب آنها با یکدیگر ایفا می‌کنند، تحلیل می‌شود (چندلر، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۷-۲۲۰).

درخصوص مطالعات علوم دینی و مطالعاتی که حول محور قرآن کریم شکل گرفته‌اند، می‌توان گفت در زمینه معناشناسی واژگان قرآن کریم امروزه ابتکارات چشمگیری برای شناخت روشمند معانی کلمات شکل گرفته است که در نوع خود باید به این تلاش‌ها ارج نهاد. در همین راستا بعضی از متخصصین درباره مواجهه با روابط معنایی در قرآن کریم یک تقسیم‌بندی دوگانه ارائه داده‌اند. آنها روابط معنایی در قرآن کریم را به دو دسته کلی رابطه معنایی - نحوی و رابطه معنایی - معنایی تقسیم کرده‌اند. سپس بیان داشته‌اند رابطه معنایی - معنایی را می‌توان به سه دسته اشتدادی، تقابلی و توزیعی تقسیم کرد. شایان ذکر است به رابطه معنایی - نحوی، رابطه مکملی هم گفته می‌شود

(سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۷؛ شفیعی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۲).

روابط مکملی یا همان روابط معنایی - نحوی، نوعی از ارتباط میان مفاهیم است که براساس قواعد نحوی میان دو مفهوم صورت می‌پذیرند. در دسته‌ای دیگر به نوعی از روابط اشاره می‌شود. در این دسته واژگانی جای می‌گیرند که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند و برای تقویت و معاضدت یکدیگر در عبارات همنشین شده‌اند. بر این دسته از روابط، نام روابط مفهومی اشتدادی نهاده می‌شود. هم‌پوشی دو مفهومی که رابطه اشتدادی دارند، گاهی به‌طور کامل است؛ مثل مفاهیم دو واژه جبت و طاغوت و گاهی ممکن است تنها بعضی از مؤلفه‌های معنایی آنها مشترک باشد؛ مثل مفاهیم موجود در دو واژه برّ و تقوا یا طغیان و کفر. دسته سوم از روابط همنشینی روابط تقابلی است. درباره این نوع از رابطه می‌توان گفت این مفاهیم مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند؛ اما در مقام تضعیف و نفی یکدیگر به کار می‌روند. اینها در آنچه کلیت معناست مشترک‌اند؛ اما نقاط افتراق آنها جدی و شایان توجه است؛ مثل مفاهیم نور و ظلمت یا سرد و گرم (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۸). در این مقاله با بررسی استعمالات قرآنی مشتقات واژه تسویل، در بخش مربوط به روابط همنشینی روابط اشتدادی و مکملی این واژگان با سایر کلمات احصا و بررسی می‌شود.

۴. تسویل در لغت و صرف

تسویل از ریشه «سول» است. ابن‌فارس ریشه سول به معنای «استرخاء فی شیئی» توضیح داده است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص. ۱۱۸/۳)؛ یعنی در معنای نرم و سست شدن یک چیز (بستانی، ۱۳۷۵ش، ص. ۵۷). دانشمندان علم لغت گفته‌اند سُولَ الانسان به معنای آمینیه و آروزی است که انسان‌ها آن را طلب می‌کند (ازهری ۱۴۲۱، ص. ۴۷/۱۳). در بسیاری از کتب لغت در ذیل مدخل سول به توضیح ریشه پرداخته نشده است؛ بلکه مستقیماً معنای

تسویل بررسی شده است. این نکته نشان از رواج بیشتر این ساخت صرفی از ریشه سول دارد.^۱

در بعضی از کتب لغت، تسویل به حُسن‌بخشیدن و تزئین کردن یک شیئی معنا می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص. ۲۹۸/۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص. ۳۵۰/۱۱). تسویل به معنای زینت‌دادن و زیبایی‌بخشیدن است (یزیدی، ۱۴۰۵، ص. ۱۸۱/۱؛ صاحب، ۱۴۱۴، ص. ۳۷۷/۸). راغب این واژه را به مطلق تزئین کردن ترجمه نکرده است؛ بلکه تزئین کردن نفس را تسویل دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۴۳۷) سَوْلٌ: زَيْنٌ، خَيْلٌ لَهْ، سَهْلٌ، طَوْقٌ، طَوَّعٌ، اُغْوَى، اُغْرَى (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴، ص. ۵۸). در بعضی کتب لغت، وقتی این واژه در کنار کلمه شیطان ذکر شده است، آن را به‌وسیله واژه اغوا معنا کرده‌اند (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ص. ۵۶۷/۳).

از بعضی عبارات برمی‌آید واژه «سؤل» در آیه «قَدْ أُوتِيَ سُؤْلُكَ يَا مُوسَى» (طه ۳۶) از ریشه سول است. آنها درباره این آیه بیان داشته‌اند معنای عبارت قرآنی معادل چنین جمله‌ای است: «أَعْطِيَتْ أُمَّيَيْتِكَ»؛ یعنی آرزوی به تو عطا شد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص. ۳۵۰/۱۱). راغب آیه ۳۶ سوره طه را در ذیل مدخل سول آورده و پس از آن به آیاتی پرداخته است که مشتقات تسویل در آن موجود است. او سؤل را حاجتی که نفس انسان نسبت به آن حرص دارد، معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۴۳۷).

در کتب تفسیری نیز بعضی برای توضیح این آیه از ریشه مَنَى استفاده کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ص. ۱۶۷) (ابن‌هائم، ۱۴۲۳، ص. ۲۲۷/۱). این نکته حاکی از آن است که آنها کلمه سؤل را در آیه مذکور هم‌ریشه با آنچه در واژه تسویل گفته می‌شود، می‌دانند. با پذیرش آنچه در اینجا از بعضی لغویون و مفسرین نقل شد، می‌توان به شناخت بیشتری از معناشناسی لغوی ریشه سؤل دست

۱. رک: الصحاح، لسان العرب، العين، المصباح المنیر، واژه: «س و ل».

فیومی اضافه می‌کند این واژه متضاد با معنای رشد است (فیومی، ۱۴۱۴، ص. ۴۵۷/۲). وقتی این ریشه در باب افعال قرار بگیرد، کلمه اغواء ساخته می‌شود. می‌توان گفت معنای اغوا گمراه کردن دیگران است (حمیری، ۱۴۲۰، ص. ۵۰۳۳/۸). در قرآن کریم ۲۲ بار مشتقات این ریشه به کار رفته و در هر کدام همنشین با واژگان متعددی شده است؛ برای مثال، در آیه ۲۵۶ سوره بقره در رابطه همنشینی تقابلی با واژه رشد قرار گرفته است. می‌توان گفت در این کاربرد غی معنای انحراف از حقیقت و دورشدن از واقع را دارد (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ص. ۲۷۹/۲).

در آیه‌ای دیگر، شیطان در گفتگوی خودش با خدای متعال گمراه کردن را به او نسبت می‌دهد و قسم می‌خورد در طول حیات خودش همه بندگان خدا را دچار گمراهی کند. در چند آیه به این نکته اشاره شده و در همه آنها از اغوا برای رساندن معنای گمراهی استفاده شده است. درباره اینکه روش اغوا چگونه است، با توجه به قرآن و روایات معصومین نکات مختلفی ذکر شده است. یکی از نکات این است که تسویل خود یکی از روش‌های اغوا است. درحقیقت کلمه تسویل در کاربردهای قرآنی خودش معنایی اخص از اغوا دارد. بعضی مفسرین در ذیل آیه ۶۳ سوره قصص به این نکته اشاره کرده‌اند آنچه به عنوان اغوا رخ می‌دهد، صرفاً وسوسه و تسویل است؛ گویا از مصادیق بارز اغوا تسویل است (قمی، ۱۳۶۸ ش، ص. ۸۹/۱۰). مؤلفه زیبا نشان دادن آنچه مقصود شیطان است، از روش‌های پرکاربرد شیطان در گمراه کردن انسان‌ها است. نکته جالب توجه این است که در آیه ۳۹ سوره مبارکه حجر واژه تزیین و اغوا با در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. با توجه به نقل این آیه، شیطان می‌گوید کارهای زشت را برای انسان‌ها زیبا نشان می‌دهد و آنها را اغوا می‌کند.

یافت. نکته شایان توجه در توضیحات دانشمندان تأکید بر استفاده از کلید واژه «أمنیه» و «منا» در توضیح معنای سؤل است؛ یعنی می‌توان در معناشناسی این واژه این نکته را مدنظر قرار داد؛ البته در نقطه مقابل تعدادی از مفسرین و دانشمندان علم لغت به تصریح یا به اشاره ریشه این واژه را از ریشه سأل دانسته‌اند. بیان بعضی چنین است که سؤل در این آیه در معنای مسؤول است؛ یعنی آنچه طلب کرده‌ای، اجابت شد (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ص. ۳۹۰/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ص. ۶۲/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ص. ۲۷/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ص. ۵۰۰/۸).

۵. کلمات جانشین با واژه تسویل

در مسیر معناشناسی واژگان، یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت مؤلفه‌های موجود در معانی واژگان یک عبارت، دقت در کلمات جانشین است. کلماتی که در یک بیان ساده این قابلیت را دارند که در جایگاه آن واژه قرار بگیرند. پاسخ به این سؤال که چرا گوینده یا نویسنده دانا در عبارات خود از واژه‌ای استفاده کرده و از سایر واژگان صرف‌نظر کرده است، می‌تواند گویای نکات مختلفی در مؤلفه‌های معنایی واژه مورد بحث باشد. به تعبیری که دانیل چندلر در کتاب خود ذکر کرده است کاربرد روابط جانشینی در انتخاب است. درواقع، شناخت عناصر موجود در روابط جانشینی امکان مقایسه را برای محقق پدید می‌آورد (چندلر، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۷). مقایسه عناصر نیز به شناخت تمایز آنها و درنهایت به فهم دقیق از مؤلفه‌های معنایی هر کدام منجر می‌شود.

۱-۵. غوی

وقتی تسویل به شیطان نسبت داده می‌شود، آن را هم معنا با واژه «اغوا» دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص. ۱۱۸/۳). گویا کلمه «اغوا» می‌تواند جانشین مشتقات واژه تسویل در این نوع کاربردها قرار بگیرد. اغوا از ریشه غَوَى، مصدر ثلاثی مجرد آن العَوایه و معنای آن جدیت و لجاجت در گمراهی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص. ۴۵۶/۴).

۲-۵. تزئین

تزئین به معنای زینت‌بخشیدن و زیبا جلوه دادن است. از این نظر مترادف با واژه تسویل است و به‌جاست که در زمره کلماتی ذکر شود که در محور جانشینی با این واژه قرار می‌گیرند. مشتقات این واژه ۴۳ بار در قرآن کریم به کار رفته‌اند که از این میان در ۲۴ مورد درباره زیبا جلوه یافتن اعمال زشت استعمال شده است. ریشه این کلمه زین است، مخالف آن را کلمه شین می‌دانند. ازهری نقل می‌کند شنیده است کودکی می‌گفته است «وجهی زین و وجهک شین» یعنی در نظر داشته است بگوید صورت من دارای حُسن است و صورت تو ناپسند است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص. ۲۰۱/۱۳). به این ترتیب، یکی از کاربردهای این واژه است که درباره زیبایی و حُسن ظاهری به کار می‌رود. در کاربردهای قرآنی زینت به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- زینت نفسی مثل آیه ۷ سوره حجرات که ایمان را زینت قلب انسان دانسته است. ۲- زینت بدنی مثل بلندی قامت. ۳- زینت خارجی که منظور همان زیورآلات است. مثال آن آیه ۷۹ سوره قصص است که درباره قارون گفته شده است که به همراه زینت‌های خودش خارج شد.

در بسیاری از استعمالات قرآنی این واژه به‌طور مستقیم فعل زیبا جلوه دادن به شیطان نسبت یافته است. نکته جالب توجه این است که برخلاف واژه تسویل که در بیشتر کاربردهای قرآنی آن به نفس انسان‌ها نسبت داده شده است، بنا به جستجوی نگارنده در هیچ موردی فاعل فعل تزئین، نفس انسان‌ها نیست. همانطور که پیش‌تر ذکر شد یکی از راه‌های اغواکردن انسان‌ها از سوی شیطان تزئین اعمال ناپسند است. این نکته شاهدهی است بر اینکه در مواردی که عمل نفس انسان در زیبا جلوه دادن زشتی‌ها مطرح است، دقت شده است = از واژه متناسب با آن یعنی از واژه تسویل استفاده شود.

۳-۵. زخرف

اصل این واژه در معنای طلا است؛ اما از آنجا که استفاده از طلا به‌عنوان زینت بسیار رایج است، کم‌کم از این واژه به‌عنوان مطلق زینت استفاده شده است (ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ص. ۳۳۶/۵؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱، ص. ۱۷۰/۱). این واژه ۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. در آیه ۹۳ سوره اسراء نقل می‌شود مشرکان از پیامبر می‌خواستند در اثبات حقانیت خود خانه‌ای از زخرف داشته باشد. سیاق آیه نشان می‌دهد معنای اصلی واژه زخرف یعنی طلا در این آیه مدنظر است (ر.ک ترجمه آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی). همین‌طور در آیه ۳۵ سوره زخرف که می‌تواند منظور آیه شریفه زیورآلات زرین باشد. در دو آیه دیگر از دو تعبیر «زُخْرُفُ الْقَوْلِ غُرُورًا» (انعام/۱۱۲) و «أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرَفَهَا» (یونس/۲۴) استفاده شده است. در سوره انعام کلامی که شیاطین جنس و انس با یکدیگر رد و بدل می‌کنند، توصیف به زخرف شده است. اضافه زخرف به قول در این آیه درواقع، اضافه صفت به موصوف است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ص. ۹/۷). گویا همان‌طور که طلا برای هر کسی موجب شگفتی و جذابیت است، آنها نیز کلام خود را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که چنین باشد (سمین، ۱۴۱۴، ص. ۱۶۱/۳). این گفتار، گفتاری است که امر را بر انسان مشتبه می‌سازد تا بدین‌وسیله او را فریب دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص. ۳۲۱/۷). در آیه ۲۴ سوره یونس به زیبایی‌هایی که روی زمین می‌روید، واژه زخرف اطلاق شده است. در این آیه واژه زخرف استعاره از گیاهان سبز و گل‌های زیبایی است که روی زمین می‌روید. این زیبایی‌ها به زیورآلاتی که زمین روی خود می‌پوشاند، تشبیه شده و سپس مشبه و وجه تشبیه حذف شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۱، ص ۱۶۴)

۴-۵. تحسین و احسان

تحسین از حسن است. این ریشه از پرکاربردترین

چه باطنی. برخلاف واژگانی چون تسویل که زیبا جلوه دادن اشیای ناپسند در آنها أخذ شده است و هیچ چیزی در واقعیت اشیاء خبر نمی‌دهند.

۵-۵. تحلیل

از دیگر واژگانی که در زبان عربی و در استعمالات قرآنی برای زینت‌دادن و زیباسازی استفاده شده، واژه تحلیل است؛ مانند آیه: «تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا» (نحل/۱۴). این واژه از ریشه حلی است که در مجموع ۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است. از این میان، در ۴ مرتبه در ساخت صرفی باب تفعیل و به صورت مجهول به کار رفته است. در هر ۴ مورد در خصوص اهل بهشت است که به وسیله گردنبندهایی از جنس طلا یا نقره زینت داده می‌شوند و از این نعمت در بهشت متنعم‌اند. همچنین، در داستانی که خدای متعال ساخته شدن گوساله سامری را بیان می‌کند، اشاره می‌شود که آنها از تعدادی زیورآلات برای ساختن گوساله استفاده کردند که برای بیان این نکته از ریشه حلی استفاده شده است. به این ترتیب، این واژه در کاربردهای قرآنی خود در زینت‌بخشی به وسیله زیورآلات استفاده شده است نه معانی مربوط به زیبایی باطن یا زیبایی غیرواقعی اشیاء یا زیباساختن به وسایل دیگر.

نکته جالب توجه این است که با همه این اوصاف، در ادبیات عرفانی و اخلاقی، این واژه با مؤلفه‌های معنایی دیگری به کار می‌رود. در کاربرد تفاسیر عرفانی تحلیل در کنار تزکیه استفاده می‌شود (انصاری، ۱۳۷۱ ش، ص. ۳۸/۱). در این کتب، زیبایی‌یافتن به وسیله اخلاق انسانی را با واژه تحلیل بیان می‌کنند (کاشانی، بی‌تا، ص. ۲۵/۱). می‌توان گفت استفاده از این واژه در ادبیات عرفانی و اخلاقی برای کسب اخلاق نیکو استعاره‌ای است بر اینکه صفات نیکو همچون زیورآلاتی هستند که وجود انسان را زینت می‌بخشند؛ اما به هر حال، این استعمال استعاری است و در ظاهر آیات قرآن کریم مصداقی از آن یافت

ریشه‌ها در لغت و زبان عربی است که مؤلفه معنایی نیکویی و زیبایی در میان همه استعمالات آن مشترک به نظر می‌رسد. ذکر این واژه در این مقاله از آن نظر است که در کتب لغت معنای آراستن و زیباکردن را برای واژه تحسین انتخاب کرده‌اند (جوهری، ۱۳۷۶ ق، ص. ۲۰۹۹/۵). از این نظر می‌توان این واژه را نیز در یک حوزه معنایی با واژه تسویل دانست. در آیه ۳ سوره تغابن خدای متعال می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»؛ یعنی «آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورت‌هایتان را نیکو آراست و فرجام به سوی اوست» (ر.ک: ترجمه آیت الله مکارم)؛ اینکه منظور از آیه شریفه صرفاً زیبایی صورت است یا معنایی اعم در نظر است، محل بحث دانشمندان قرار گرفته است. یک برداشت از این آیه شریفه این نکته است که منظور از زیبایی در این جا صرفاً زیبایی ظاهری نیست؛ بلکه تناسب مجموع اجزای یک شیء با هدفی است که برای آن خلق شده است (بطباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۵/۱۹). آیاتی چون آیه ۷ سوره سجده و آیه ۴ سوره تین به طور مشخصی تأکید بر تناسب اجزای خلقت برای رسیدن به غایت و مقصود می‌کند. «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ در این آیات و سایر آیاتی که بر این نکته صحنه می‌گذارد، از ریشه حسن برای توصیف خلقت استفاده شده است. بدین ترتیب، در مواردی که تحسین اشیاء به خدا نسبت داده می‌شود، می‌توان قائل به معنایی اعم از زیبایی ظاهری شد. استعمالات قرآنی متعددی شاهدی بر این مدعا است.

نکته شایان توجه در استعمالات قرآنی این واژه آن است که هیچگاه فاعل تحسین و احسان شیطان یا نفس قرار نگرفته است و دیده می‌شود موارد استعمال این واژگان در بحث از خلقت و شکل‌گیری اشیاء است. این نکته حاکی از این مؤلفه معنایی است که واژگان تحسین و احسان از آن زیباساختنی که حقیقتاً وجود داشته باشد و براساس واقعیت باشد، خبر می‌دهد، چه زیبایی ظاهری و

نمی‌شود.

یک مرتبه با واژه شیطان. نوع این روابط نیز از نوع رابطه همنشینی مکملی است که این واژگان فاعل فعل تسویل قرار گرفته‌اند. از طرفی در یک مورد نیز می‌توان به رابطه اشتدادی فعل سَوَّلَ با فعل أَمَلی اشاره کرد.

۵-۶. تبرج

واژه تبرج از واژگانی است که در معانی زینت‌یافتن به کار رفته است. اصل آن به معنای ظهور است. برای بُرَج از آن جهت که ظاهر و آشکار است، از این ریشه استفاده شده است. تبرج را به اظهار زینت معنا کرده‌اند؛ به گونه‌ای که باعث کشش جنس مخالف شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص. ۲/۲۱۲). در کاربردهای قرآنی این واژه برمی‌آید که منظور از این واژه آرایش کردن زنان است و اظهار زیبایی‌های خود است. در آیه ۳۳ سوره احزاب «وَ لَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ» خدای متعال زنان را از انجام تبرج جاهلی نهی کرده است. بنا به آنچه نقل شده است در آن دوران، زنان لباس‌هایی که که مروارید بر آن بود و اطراف آن دوخته نشده بود، بر تن می‌کردند. لباسی که بدن آنها را به‌طور کامل نمی‌پوشانده است (فراء، ۱۹۸۰، ص. ۲/۳۴۳). بدین ترتیب، در این واژه مؤلفه معنایی اظهار زیبایی ظاهری پر رنگ است و نسبت به واژه تسویل از جهت تقارن دارد.

۶. کلمات همنشین با واژه تسویل

برای معاشناسی واژگان دقت به کلمات همنشین که در یک عبارت در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند، مفید و تأثیرگذار است. در واقع، باید توجه داشت کلمات معنایی خود را در ساختاری پیدا می‌کنند که قرار می‌گیرند و مؤلفه‌هایی که متکلم از آنها اراده کرده است، رسانده می‌شود؛ از این رو، در این جستار آیاتی که مشتقات فعلی واژه تسویل در آن به کار رفته است، احصاشده و واژگان همنشین آن معرفی می‌شوند. با دقت و تأمل در همنشینی این کلمات می‌توان به مؤلفه‌های دست یافت که در معنای کلمه تسویل مدنظر بوده است. نکته حائز اهمیت در فهم مؤلفه‌های معنایی واژه تسویل مشتقات این واژه در آیات قرآن کریم سه بار به نفس و انفس همنشین شده است و

نوع رابطه	همنشین	واژه اصل	آیه	ردیف
مکملی	شیطان	سَوَّلَ	إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ (محمد/۲۵)	۱
اشتدادی	أَمَلَى			
مکملی	انفسکم	سولت	قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَثْرًا فَصَبِّرُوا حَمِيلًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (يوسف/۸۳)	۲
مکملی	انفسکم	سولت	وَ جَاءَ عَلَى قَمِيصِهِ بَلَمٌ كَذِبٌ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَثْرًا فَصَبِّرُوا حَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (يوسف/۱۸)	۳
مکملی	نفسی	سولت	قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (طه/۹۶)	۴

۶-۱. نفس

در ادبیات قرآن کریم واژه نفس از الفاظ پرکاربرد است که در حدود ۷ مورد از موارد کاربرد آن، خبر از یک نیروی تأثیرگذار در درون انسان می‌دهد؛ مانند آیه: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده/۳۰) و نیز: (ر.ک: قاف ۱۶، یوسف ۵۳، قیامت ۲، یوسف ۱۸، یوسف ۸۳، طه ۹۶). از این میان، عبارات آیه دوم سوره قیامت اشاره به وجود نفس لوامه دارد. قوه‌ای بازدارنده که انسان را در صورت خطا ملامت می‌کند

نام نفس مسوئله یاد کرده‌اند (بلاغی، ۱۳۸۶ق، ص. ۱۲۱/۷)؛ (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ص. ۳۲۱/۸). از این رو، باید تأکید کرد آنچه از تسویل مدنظر است، عملی است از اعمال نفس انسان که باطل را در نظر انسان زیبا و خواستنی جلوه می‌دهد. شاهدهی دیگر بر نکته‌ی اخیر نیز عباراتی است که بعضی از لغویون در توضیح ریشه‌ی سَوَّلَ به کار برده‌اند. ابن‌منظور در معرفی واژه‌ی تسویل گفته است که تسویل ساخت متعدی از عبارت سَوَّلَ و معنای آن «آمنیه» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص. ۳۵۰/۱۱). آمنیه در یک بیان کوتاه به معنای آرزو است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ص. ۲۹۶/۶). بیان کامل‌تر این است که آمنیه به صورتی از آرزوها گفته می‌شود که در نفس انسان شکل می‌گیرند و در ذهن او پرورش می‌یابند؛ بنابراین، از همین روست که به سخن دورغ آمنیه نیز می‌گویند؛ زیرا شخص دروغگو آنچه را خلاف واقع است در ذهن خود ساخته است و سپس آن را برای مخاطب بیان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۷۸۰/۱)؛ با این اوصاف، می‌توان بر این مؤلفه‌ی معنایی تأکید کرد غیرحقیقی بودن آنچه نفس انسان می‌سازد، در این واژه أخذ شده است؛ یعنی نفس انسان براساس تمنیات و آنچه حقیقت ندارد، تصوراتی را برای او پدید می‌آورد که به موجب آن انسان دچار خطا در تصمیمات و اقدامات خود می‌شود.

۶-۲. شیطان

در سوره‌ی مبارکه‌ی محمد، خدای متعال درباره‌ی کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها از این مسیر پشت کرده‌اند، می‌گوید شیطان این عمل را برای آنها زینت داده است. یکی از ترفندهای شیطان در کشاندن انسان به مسیر باطل تسویل است؛ «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ» (محمد/۲۵). تسویل یعنی آنچه را نفس انسان به آن کشش دارد، در نظر او زیبا جلوه دهد و انسان را به سمت آن سوق دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص. ۲۴۱/۱۸). کشش نفسانی انسان‌ها مایه‌ی نفوذ و دخالت شیطان قرار می‌گیرد تا از این

(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص. ۶۵۹/۴). مورد دیگر حاکی از وجود قوه‌ای است که انسان را به خطا می‌اندازد و از مسیر حق منحرف می‌کند. چهار کلیدواژه‌ی تسویل، وسوسه، تطویع و امر به سوء اقداماتی هستند که به نفس انسان نسبت داده شده است. از این میان، باید گفت در سه آیه‌ی شریفه، این واژه‌ی تسویل است که به نفس انسان‌ها نسبت داده شده است. در دو مورد از قول حضرت یعقوب به فرزندانش است که عملکرد آنها را درباره‌ی یوسف ناشی از تسویل نفس آنها دانسته است (ر.ک: یوسف ۱۸/یوسف ۸۳) و در آیه‌ای دیگر در داستان سامری وقتی که از سامری پرسیده می‌شود چرا گوساله را ساختی و چه چیز تو را وادار کرد، او پاسخ می‌دهد تسویل نفسانی او باعث شد دست به چنین عملی بزند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص. ۱۹۴/۱۴). او می‌گوید چیزی را دیدم یا چیزی را دانستم که دیگران متوجه نشدند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ص. ۴۵/۷). سامری این سوءاستفاده از اثر رسول را ناشی از تسویل نفس خود می‌داند.

آنچه از این عبارات در شناخت مؤلفه‌های معنایی تسویل معلوم می‌شود، این است که نفس انسان می‌تواند امری نادرست را برای او زیبا جلوه دهد و انسان را به ورطه‌ی هلاکت بکشاند. همنشینی واژه‌ی تسویل با نفس برای ذکر موارد این جریان در قرآن کریم و نیز در مجموعه‌ی معارف دینی که شامل روایات معصومین، علیهم‌السلام و ادعیه‌ی مأثوره نیز می‌شود، برای مثال، امام سجاده علیه‌السلام در مناجات با پروردگار عرضه داشت: (اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي وَ تَقَطَّعَتْ ذُونَهَا حِيلِي وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي). (صحیفه‌ی سجاده‌ی، ۱۳۷۶ش، دعای ۱۳، ص ۷۰) نشان از این دارد که تسویل واژه‌ای است که برای یکی از اعمال نفسانی انسان به کار می‌رود و باید گفت این مؤلفه درباره‌ی واژه‌ی تسویل حائز اهمیت است. نکته‌ی جالب توجه که به‌عنوان مؤید بحث استفاده می‌شود، این است که تا جایی میان عمل تسویل و نفس انسان ارتباط وثیقی دیده می‌شود که در بعضی از تعابیر از این نفس به

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی روابط مفهومی واژه تسویل و بررسی کلمات جانشین و همنشین، ظرائفی از مؤلفه‌های دخیل در معناشناسی قرآنی واژه تسویل به دست آمد. در قدم نخست باید گفت اگرچه زینت‌دادن، مؤلفه معنایی مشترک میان واژه تسویل و واژگانی چون تزین، تحلیه و تبرج است، باید دقت داشت تسویل عمل نفس انسان است. در واقع، برخلاف واژگان مذکور از نظر فاعل مقید به این است که نفس انسان فاعل آن باشد. همچنین، در یک بیان دقیق باید گفت تسویل زیبا جلوه دادن است و نه زیباکردن. در واقع، واژگانی چون تحلیه، تحسین و تبرج برای مواردی استفاده می‌شوند که یک شیء حقیقتاً زیبا و نیکو می‌شود؛ خواه اینکه زیبایی ظاهری باشد یا باطنی؛ به هر حال، درحقیقت معنای زیبایی واقع می‌شود؛ اما درباره تسویل باید گفت هیچ‌چیزی درواقعیت و حقیقت اشیاء رخ نمی‌دهد؛ بلکه صرفاً روان انسان و قوه مدرکه او دچار خطای شناختی می‌شود. باید گفت واژه تزین در معنایی اعم به کار می‌رود. نکته جالب توجه دیگر با توجه به معنای لغوی و همنشینی واژه تسویل با عبارت «أملی لهم»، این است که علت مادی و در واقع، مایه نفس مسوئه برای فریب انسان‌ها آرزوها و تمنیات درونی اوست که نسبت به آنها ولع دارد. درحقیقت این نقطه، نقطه‌ای است که نفس انسان دست به کار شده است و تصورات آمال و آرزوهای طولانی را در ذهن پرورش می‌دهد. نکته حائز اهمیت دیگر در مؤلفه‌های معنایی واژه تسویل از جهت لوازمی که در پی دارد، آن است که این عمل نفسانی انسان یکی از دستمایه‌های شیطان برای اغوا و فریب دادن انسان‌هاست که در سوره محمد و آیات مشابه به آن اشاره شده است.

کتابنامه:

قرآن کریم.

صحیفه سجادیه (۱۳۷۶ش). (چاپ اول)، قم، دفتر

طریق جان و قلب آدمی را به مسیر خطا بکشاند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد درباره واژه تسویل و همنشینی آن با شیطان می‌توان گفت نوعی از زینت‌بخشیدن و زینت‌دادن مدنظر است، آنچه غیر حقیقی است را حقیقی جلوه می‌دهد. بدین ترتیب این مؤلفه که تسویل امری شیطانی و در مسیر انحراف است، در معناشناسی این واژه به دست می‌آید.

از طرفی، همانطور که ذکر شد، این امر شیطانی که زیبا جلوه دادن امور ناپسند باشد، در موارد متعددی با استفاده از واژه تزین بیان شده است. با توجه به موارد کاربرد واژه تزین باید گفت واژه تزین نسبت به اینکه زینت برای انحراف انسان‌ها باشد یا غیر آن، مطلق است و از این نظر تقییدی ندارد؛ اما واژه تسویل هم از این نظر که در مسیر انحراف و حرکت به سمت باطل و هم از این نظر که مبتنی بر مشتبهات نفسانی است، تقیید دارد.

۳-۶. املی

املی از مصدر املاء است. بسیاری از دانشمندان علم لغت، املاء را از ریشه «ملو» دانسته‌اند. دیده می‌شود آنها بسیاری مشتقات واژه املاء را در ذیل مدخل «ملو» ذکر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص. ۳۴۴/۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ص. ۳۵۲/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ص. ۲۹۰/۱۵). در آیه ۲۵ سوره محمد این واژه عطف به تسویل شده است. «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ» (محمد/۲۵). املاء در این آیه به معنای آن است که شیطان آمال و آرزوها را در ایشان طولانی می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۸/۵). پیش‌تر ذکر شد از نظر لغوی، تسویل با واژه اُمیئه به معنای آرزو همسو است. در اینجا و با عنایت به همنشینی این کلمه املاء می‌توان در معناشناسی قرآنی واژه تسویل، نکته‌ای را اضافه کرد. می‌توان گفت آرزوهایی که در نفس انسان زینت می‌یابند، آرزوهایی طولی‌المده هستند که سقوط او در ورطه ضلالت تضمین شود.

- نشر الهادی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. لبنان - بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (چاپ اول) قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق). تفسیر قریب القرآن. (چاپ اول). بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
- ابن هائم، احمد بن محمد (۱۴۲۳ق). التبیان فی تفسیر غریب القرآن (چاپ اول). لبنان-بیروت: دار الغرب الإسلامی
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴ق). المکنز العربی المعاصر (چاپ اول). بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عدّه الابرار (چاپ هشتم). تهران: امیرکبیر.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ش). خدا و انسان در قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. لبنان - بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی، (چاپ دوم). تهران: اسلامی.
- بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶ق). حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر (چاپ اول). قم: حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۴ش). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: مهدی پارسا (چاپ هفتم). تهران: سوره مهر.
- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴ش). بر بال قلم چهل درس در قلمرو ادب پارسی و آیین نگارش (چاپ ششم). تهران: نشر ظفر.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلم. دمشق: دار الفکر.
- دینه سنن، آنه ماری (۱۳۹۰ش). درآمدی بر نشانه‌شناسی (چاپ چهارم). تهران: نشر پرسش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دار القلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. لبنان - بیروت: دار الکتب العربی.
- سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱). معناشناسی تدبیر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره. دانشگاه امام صادق علیه السلام - دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون (چاپ اول). لبنان - بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری (چاپ اول). تهران: میقات.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق). تلخیص البیان فی مجازات القرآن (چاپ دوم). لبنان - بیروت: دار الأضواء.
- شفیع‌زاده، مرضیه، بهارزاده، پروین و فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۸۹). معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روش همنشینی و جانشین. پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، صص ۹۹-۱۳۰.

Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Sidah, A. (1421). *Al-Mohksm wa Al-Almohit Al-Azam*. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Elamiyah. (in Persian)
- Ibn Faris, A. (1404). *The Maqayis Allughah Dictionary*. Qom: Maktab AlAlam alIslami. (in Persian)
- Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisān alArab*. Beirut: Dar Sadi. (in Persian)
- Ibn Ashour, M. (1420). *Tafsir alTahrir and alTanweer known as Ibn Ashour's Tafsir*. Lebanon-Beirut: AlTarikh Arabi Foundation. (in Persian)
- Ibn Qutaybah, A. (1411). *Tafseer Gharib alQur'an*. Beirut: Dar and Maktabah AlHilalm. (in Persian)
- Ibn Haiem, A. (1423). *Al-Tabayan fi Tafsir Gharib alQur'an*, Lebanon-Beirut: Dar alGharb alIslam. (in Persian)
- Azhari, M. (1421). *Tahdeeb al-Logheh*. Beirut: Dar Ahyaya alTrath alArabi. (in Persian)
- Ismail Seini, M. (1414). *AlMuknez AlArabi alMuaser*. Beirut: Lebanon Publishing House. (in Persian)
- Ansari, A. (1371). *Kashf alAsrar wa Iddat alAbrar*. Iran-Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Izutsu, T. (1361). *God and Man in the Qur'an*. Tehran: publishing company
- Alousi, M. (1415). *Ruh alMa'ani fi Tafsir alQur'an alAzeem & AlSab alMathani*. Lebanon-Beirut: Dar alKutub AlElamiya.
- Balaghy, A. (1386). *Hujja alTafasir & Balagh alElixir*. Iran-Qom: Hikmat. (in Persian)
- Beydawi, A. (1418). *Anwar alTanzij & Asrar alTa'awil*. Lebanon-Beirut: Dar Ihiya alTrath alArabi. (in Persian)
- Johari, Is. (1376). *Sehah: Taj alLagha & Sehah alArabiya*. Beirut: DareAlam LalMulayin. (in Persian)
- Chandler, D. (2014). *Fundamentals of Semiotic*. translator: Mehdi Parsa. Tehran: Surah Ya Mehr. (in Persian)
- Hosseini, S. (2008). *On the pen of forty lessons in the realm of Persian literature & its writing*. Tehran: Zafar. (in Persian)
- Hamiri, N. (1420). *Shams alUloom and Dawa Kalam Al-Arab Men al-kloom*. Damascus: Dar alFikr. (in Persian)
- Dineh San, A. (2019). *Introduction to Semiotics*. Tehran: Ask Publication. (in

- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة* (چاپ اول). بیروت: عالم الکتب.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۷ش). *درآمدی بر معناشناسی* (چاپ ششم). تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (چاپ دوم). لبنان - بیروت: مؤسسه‌ی اعلی‌ی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (چاپ سوم). ایران - تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین* (چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). *معانی القرآن* (چاپ دوم). قاهره: الهیئه‌ی المصریة العامة للكتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین* (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). *القاموس المحيط* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی* (چاپ دوم). تهران: مکتبه‌ی الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی* (چاپ دوم). قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن* (چاپ اول). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب* (چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه* (چاپ اول). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی (۱۴۰۵ق). *غریب القرآن و تفسیره* (چاپ اول). بیروت: عالم الکتب.

- Ministry of Culture and Islamic. (in Persian)
- Kashani, F. (Bita). *Manhaj alshādiqīn fī ilzām almukhālifīn*. Iran-Tehran: Islamic Bookstore. (in Persian)
- Makarem Shirazi, N. (1371). *Tafsir Nemooneh*. Iran-Tehran: Dar Alkotob alIslamiya. (in Persian)
- Yazidi, A. (1405). *Gharib alQur'an & Tafseerah*. Beirut: Alem alKatab. (in Persian)
- Persian)
- Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Morfradat alFaz alQur'an*. Beirut: Dar alQalam. (in Persian)
- alZamakhshari, M. (1407). *AlKashf*. Lebanon-Beirut: Dar AlKitab AlArabi.
- Salman Nejad, M. (2019). *Semantics of Tadabor in the Qur'an with Three Structural Approaches. Etymology & Conceptual History*. (in Persian)
- Samin, A. (1414). *AlDar alMasoon fi Ulum alKitab alMaknoun*. Lebanon-Beirut: Dar alKutub AlElamiya. (in Persian)
- Shah Abd alAzimi, H. (1363). *Tafsir Ezna Ashr*. Iran-Tehran: Miqat
- Sharif alRazi, M. (1406). *Talkhis AlBayan fi Majazat AlQur'an*. Lebanon-Beirut: Dar alAudha. (in Persian)
- Shafizadeh, M., Baharzade, P., & Fatahizadeh, F. (1389). *The Semantics of the Word in the Holy Qur'an with Emphasis on the Method of Companionship and Substitution*. *Qur'an & Hadith Researches*, (1), 99-130
- Sahib, Ismail bin Abbad (1414). *AlAsha'in fi alLaghha*. Beirut: Alem alKutub. (in Persian)
- Safavi, K. (1397). *Introduction to Semantics*. Tehran: Surah Ya Mehr. (in Persian)
- Tabatabayi, M. (1390). *AlMizan fi Tafsir alQur'an*. Lebanon-Beirut: Est. Alami Press. (in Persian)
- Tabarsi, F. (1372). *Majma' al-BayanTafsir alQur'an*. Iran-Tehran: Nasser Khosrow. (in Persian)
- Toreehi, F. (1375). *Majma AlBahrai*. Tehran: Mortazavi. (in Persian)
- Fara, Y. (1980). *Maane AlQur'an*. Ghahere: AlMasriy AlAaa'e AlKatab . (in Persian)
- Farahidi, K. (1409) *Kitab alAin*. Qom: Hijrat Publishing . (in Persian)
- Firouzabadi, M. (1415). *AlQamoos alMohit*. Beirut: Dar alKutub AlElamiya . (in Persian)
- Feiz Kashani, M. (1415). *Tafseer alSaf*. Iran-Tehran: Al-Sadr Library. (in Persian)
- Fayoumi, A. (1414). *AlMasbah alMunir fi Gharib alSharh al-Kabeer Le AlRafa'i*. Qom: Dar alHijra Institute. (in Persian)
- Qureshi, A. (1371). *Qur'an Dictionary*. Tehran: Dar alKutb alIslamiya. (in Persian)
- Qomi Mashhadi, M. (1368). *Tafsir of Kunz alDaqayq and Bahr alGharaeb*. Tehran:

